

اندیشه سیاسی متفکران اسلامی

جلد اول: فلسفه سیاسی اسلام

به اهتمام: محسن مهاجرنیا

شناسنامه پژوهشی اثر

عنوان طرح نامه: تاریخ اندیشه سیاسی متفکران مسلمان
(جلد یک: فلسفه سیاسی)

پژوهشکده: نظام های اسلامی، گروه علمی: سیاست،

محقق: جمعی از محققان زیر نظر محسن مهاجرنیا

ناظر علمی: محسن مهاجرنیا

ارزیابان علمی: احمد جهان بزرگی، سید ناصر تعوی، غلامرضا مهدوی و محمدباقر حشمت‌زاده

موضوع اصلی: تاریخ اندیشه سیاسی متفکران مسلمان

موضوع فرعی: فلسفه سیاسی

مدت انجام تحقیق: ۳ سال



اندیشه سیاسی متفکران اسلامی

جلد اول: فلسفه سیاسی اسلام

به اهتمام: محسن مهاجرنیا

ناشر: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

طراح جلد: سید ایمان نوری نجفی

چاپ اول: ۱۳۸۹ شمارهگان: ۲۵۰۰ نسخه

قیمت دوره: ۲۱۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۰۸۰۰۰۵۰۰

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات

سرشناسه: مهاجرنیا، محسن، ۱۳۱۳-

عنوان و نام پدیدآور: اندیشه سیاسی متفکران اسلامی / به اهتمام محسن مهاجرنیا، مشخصات نشر: تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری: ج ۳، قیمت دوره: ۲۱۰۰۰۰ ریال

شابک دوره: 2- 108-030-978 - 108-005-978 - 108-600-978

ج ۱: 7- 108-006-978 - 108-007-978 - 108-600-978

وضعیت فهرست نویسی: نیا یادداشت: کتابنامه یادداشت: شماره

منفردجات: ج ۱: فلسفه سیاسی اسلام - ج ۲: فقه سیاسی شیعه - ج ۳: فقه سیاسی شیعه.

موضوع: اسلام و سیاست. موضوع: مجتهدان و علما - نظریه‌های سیاسی و اجتماعی.

موضوع: شیعه و سیاست. موضوع: علوم سیاسی -- فلسفه. موضوع: روحانیت - ایران - فعالیت‌های سیاسی

موضوع: تفکر دینی - ایران - تاریخ. موضوع: دین و سیاست - ایران - تاریخ - قرن ۱۳ قی-۱۱.

موضوع: فلسفه اسلامی. موضوع: ایران - سیاست و حکومت - قرن ۱۱.

شناسه افزوده: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

رده‌بندی کنگره: ۱۳۸۸: ۱۳۱۱/۴۳۱۴ BP

رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۲۴۲ شماره کتابشناسی ملی: ۱۹۲۰۹۹۹

فروشگاه و نمایشگاه دانسی: تقاطع بزرگراه شهید مدرس و خیابان شهید بهشتی، پلاک ۵۶

تلفن: ۸۸۵۰۵۱۰۲ - ۸۸۵۰۳۳۴۱

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

فهرست

پیشگفتار.....	۱۹
مقدمه.....	۲۳
مفهوم اندیشه سیاسی.....	۲۸
گونه‌شناسی اندیشه سیاسی اسلام.....	۳۳
سیر تحول اندیشه سیاسی.....	۳۴
گفتار اول: اندیشه سیاسی فارابی.....	۳۹
زندگی و زمانه فارابی.....	۴۱
ولادت فارابی.....	۴۱
تحصیلات فارابی.....	۴۲
مذهب فارابی.....	۴۴
حیات سیاسی فارابی.....	۴۵
فصل اول: انسان و جامعه.....	۵۱
منشأ حیات اجتماعی.....	۵۲
۱. دیدگاه ضرورت و اضطرار.....	۵۲
۲. دیدگاه طبیعی - غریزی.....	۵۳
۳. دیدگاه طبیعی - عقلانی.....	۵۳
۴. دیدگاه روانی.....	۵۳
ماهیت جامعه و اجتماع.....	۵۵

۱. غایت‌گرایی ۵۶
۲. ارکانیسم ۵۶
۳. ارتباط و انسجام درونی ۵۶
۴. تعامل و تعاون ۵۶
۵. ابزارانگاری ۵۷
- انواع اجتماعات ۵۷
- سطح اول: تقسیم مادی اجتماعات ۵۷
۱. اجتماع عظاما ۵۷
۲. اجتماع وسطا ۵۷
۳. اجتماع صغرا ۵۷
- سطح دوم، تقسیم ارزشی اجتماعات ۵۸
۱. اجتماع فاضل ۵۸
۲. اجتماع مدینه ۵۸
۳. اجتماع امت ۵۹
۴. اجتماع معموره ۵۹
- فصل دوم: سیاست‌شناسی فارابی ۶۱
- تعریف و جایگاه سیاست ۶۱
- الف. فلسفه مدنی ۶۲
- ب. علم مدنی ۶۳
- ج. فلسفه انسانی ۶۴
- تعریف سیاست به معنای خاص ۶۴
- الف. سیاست مدنی ۶۵
- ب. صناعت ملکی ۶۵
- موضوع سیاست ۶۷
- بخش اول ۶۷
- بخش دوم ۶۸
- روش‌شناسی علم سیاست ۷۰

۷۳	فصل سوم: حکومت مطلوب فارابی
۷۳	تعریف حکومت مطلوب
۷۴	الف. تعریف حکومت از منظر رهبری فاضل
۷۵	ب. تعریف حکومت از منظر عناصر آن
۷۵	ج. تعریف حکومت از منظر سیاست فاضله
۷۶	اشکال حکومت مطلوب
۷۶	الف. حکومت فردی
۷۸	ب. حکومت جمعی
۷۹	مشروعیت حکومت مطلوب
۸۰	۱. مشروعیت الهی
۸۱	۲. مقبولیت اجتماعی
۸۲	قدرت و حاکمیت
۸۳	۱. قدرت مطلقه
۸۴	۲. قدرت ناقصه
۸۵	فصل چهارم: ساختار حکومت مطلوب
۸۵	ساختار حکومت
۸۷	الف. عنصر رهبری
۸۸	۱. رئیس اول
۹۱	۲. ریاست تابعه مماثل
۹۲	۳. ریاست سنت (ولایت فقیه)
۹۳	اوصاف و شرایط رئیس سنت
۹۶	۴. رؤسای سنت
۹۷	۵. رؤسای افاضل
۹۸	ب. نهادهای حکومتی
۹۹	۱. بخش فضایل و علوم
۹۹	۲. بخش فرهنگ و ارشاد
۱۰۰	۳. بخش کارگزاران

- فصل پنجم: گروه‌های موجود در حکومت فاضله ۱۰۵
- گروه‌ها و جناح‌های صنفی - سیاسی ۱۰۵
- جناح اول؛ نخبگان فکری ۱۰۶
۱. گروه فیلسوفان ۱۰۶
۲. گروه جدلیون ۱۰۷
۳. گروه سوفسطائون ۱۰۷
۴. گروه واضعان نوامیس ۱۰۷
۵. گروه متکلمان ۱۰۷
۶. گروه فقیهان ۱۰۷
۷. گروه ذوالالسنه یا مبلغان دینی ۱۰۸
- جناح دوم؛ گروه‌های نوابت ۱۰۸
۱. گروه مقتنضان (فرصت‌طلبان) ۱۰۸
۲. گروه محرقة ۱۰۸
۳. گروه مارقه ۱۰۹
۴. گروه مسترشدین ۱۰۹
۵. گروه جاهلان ۱۰۹
۶. گروه قاصرین ۱۰۹
۷. گروه گمراهان ۱۰۹
۸. گروه شکاکان ۱۰۹
۹. گروه نسبی‌گرایان ۱۱۰
۱۰. گروه پندارگرایان ۱۱۰
- حکومت گروه‌های نوابت ۱۱۰
۱. اصلاح ۱۱۰
۲. اخراج و تبعید ۱۱۰
۳. مجازات ۱۱۰
۴. حبس و زندان ۱۱۱
۵. استخدام و استعباد ۱۱۱
- جناح سوم؛ گروه‌های غیرمدنی (بهیمیون) ۱۱۱

- وظایف حکومت در قبال گروه‌های غیرمدنی ۱۱۲
- فصل ششم: حکومت نامطلوب در اندیشه فارابی ۱۱۵
- خاستگاه حکومت نامطلوب ۱۱۵
- الف. نوع رهبری ۱۱۵
- ب. نوع دیانت ۱۱۶
- ج. نوع غایت ۱۱۶
- مبانی نظری حکومت‌های نامطلوب ۱۱۷
۱. واقعیت‌گرایی مادی ۱۱۷
۲. انکار حاکمیت الهی ۱۱۸
۳. اعتقاد به قانون طبیعی تنازع بقا ۱۱۸
۴. اعتقاد به عدالت طبیعی ۱۱۹
۵. عدم اعتقاد به طبیعی بودن حیات اجتماعی ۱۱۹
- انواع حکومت‌های نامطلوب ۱۲۰
۱. حکومت جاهله ۱۲۱
- انواع حکومت جاهله ۱۲۱
۲. حکومت‌های فاسقه ۱۲۶
- انواع حکومت‌های فاسقه ۱۲۷
۳. حکومت‌های ضاله ۱۲۷
- انواع حکومت‌های ضاله ۱۲۸
۴. حکومت‌های مبدله ۱۲۸
- عوامل تحول در مدینه فاضله ۱۲۹
- انواع حکومت مبدله ۱۳۰
- گفتار دوم: اندیشه سیاسی اخوان‌الصفاء ۱۳۱
- آشنایی با گروه اخوان‌الصفاء ۱۳۳
- اوضاع اجتماعی و سیاسی دوره اخوان‌الصفاء ۱۳۶
- اوضاع فرهنگی دوره اخوان‌الصفاء ۱۳۹

فصل اول: مبانی اندیشه سیاسی.....	۱۴۳
الف. معرفت‌شناسی اخوان‌الصفاء.....	۱۴۳
۱. شناخت حسی.....	۱۴۳
۲. شناخت عقلی.....	۱۴۴
۳. شناخت نفسی.....	۱۴۵
اهمیت فلسفه در دیدگاه اخوان‌الصفاء.....	۱۴۶
ب. نگرش اخوان‌الصفاء نسبت به هستی.....	۱۴۷
ج. انسان در فلسفه اخوان‌الصفاء.....	۱۵۰
ماهیت انسان.....	۱۵۰
مراتب انسان‌ها.....	۱۵۲
گوناگونی اخلاق انسان‌ها.....	۱۵۳
الف. گوناگونی طبایع و مزاج انسان‌ها.....	۱۵۴
ب. گوناگونی جغرافیایی و تفاوت بلاد و شهرها.....	۱۵۴
ج. تأثیرپذیری از احکام نجوم.....	۱۵۴
د. آداب و رسوم و تربیت.....	۱۵۴
فصل دوم: فلسفه سیاسی اخوان‌الصفاء.....	۱۵۵
تعریف سیاست.....	۱۵۵
منشأ سیاست.....	۱۵۶
انواع سیاست.....	۱۶۰
سیاست نبوی (کشورداری پیامبران).....	۱۶۰
سیاست ملوکی (کشورداری جانشینان پیامبران).....	۱۶۱
سیاست عامه (کشورداری توده).....	۱۶۳
سیاست خاصه (خانواده‌داری).....	۱۶۵
سیاست ذاتی (خودشناسی).....	۱۶۷
تحلیلی اجمالی بر تقسیم‌بندی اخوان از علم سیاست.....	۱۶۷
فلسفه اجتماعات انسان و جامعه.....	۱۶۹
قشربندی اجتماعی.....	۱۷۲
صنایع و مشاغل اجتماعی.....	۱۷۳

- ۱۷۴..... اقسام اجتماعات
- ۱۷۴..... مدینه
- ۱۷۵..... اجتماع امت
- ۱۷۵..... دولت جهانی
- ۱۷۷..... فصل سوم: جایگاه حکومت و دولت در اندیشه
- ۱۷۷..... تعریف دولت
- ۱۷۹..... خاستگاه دولت
- ۱۷۹..... نظریه خاستگاه الهی دولت
- ۱۸۰..... نظریه طبیعی دولت
- ۱۸۲..... نظریه قرارداد اجتماعی
- ۱۸۴..... شکل گیری دولت در اندیشه اخوان الصفا
- ۱۸۵..... انواع دولت در اندیشه اخوان الصفا
- ۱۸۵..... الف. دولت اهل خیر
- ۱۸۶..... ب. دولت اهل شر
- ۱۸۸..... تحول دولت
- ۱۹۱..... فصل چهارم: انواع نظام‌های سیاسی
- ۱۹۱..... خلافت و امامت
- ۱۹۳..... وظایف و اختیارات معنوی انبیا و جانشینان آنان
- ۱۹۴..... وظایف و اختیارات دنیایی انبیا و جانشینان آنان
- ۱۹۴..... دین و سیاست در نظام نبوی
- ۱۹۷..... شرایط خلفا و جانشینان انبیا
- ۱۹۸..... سلطنت و پادشاهی
- ۲۰۲..... نهادهای سیاسی و اجتماعی
- ۲۰۲..... راهبردهای عملی اخوان الصفا برای تداوم حکومت
- ۲۰۵..... گفتار سوم: اندیشه سیاسی خواجه نصیرالدین طوسی
- ۲۰۷..... مقدمه
- ۲۰۷..... اجمالی از زندگی‌نامه خواجه نصیرالدین طوسی (۵۹۷ - ۶۷۲)

فصل اول: دستگاه فلسفی اندیشه سیاسی خواجه نصیرالدین طوسی	۲۱۱
بنیادهای معرفت‌شناسی اندیشه سیاسی خواجه نصیرالدین طوسی	۲۱۱
بنیادهای وجودشناسی (هستی‌شناسی) اندیشه سیاسی خواجه نصیرالدین طوسی	۲۱۴
انسان‌شناسی	۲۱۶
انسان و جامعه	۲۱۶
انسان و سیاست	۲۱۷
فصل دوم: سیاست در اندیشه سیاسی خواجه نصیرالدین طوسی	۲۱۹
تعریف سیاست	۲۱۹
منشأ سیاست	۲۲۰
جایگاه سیاست	۲۲۳
رابطه دین و سیاست	۲۲۵
فصل سوم: حکومت در اندیشه سیاسی خواجه نصیرالدین طوسی	۲۲۹
حکومت	۲۲۹
منشأ حکومت	۲۲۹
غایت حکومت	۲۳۱
انواع حکومت‌ها	۲۳۱
الف. حکومت (فاضله) مطلوب	۲۳۲
شرایط حاکم	۲۳۳
ساختار حکومت	۲۳۵
الف. نهاد رهبری	۲۳۶
مراتب رهبری	۲۳۶
مراتب ریاسات عظمی	۲۳۷
۱. ریاست ملک علی‌الطلاق	۲۳۷
۲. ریاست شورایی	۲۳۷
۳. ریاست سنت	۲۳۸
۴. ریاست اصحاب سنت	۲۳۸
ریاسات غیر عظمی	۲۳۸
ب. نهاد فرهنگ و ارشاد (ذوی الالبینه)	۲۳۹

- ج. نهاد محاسبات اداری و حکومتی (مقداران) ۲۴۰
- د. نظامیان (مجاهدان) ۲۴۱
- ه. اقتصاديون (مالیان) ۲۴۱
- جایگاه مردم در نظام سیاسی ۲۴۲
- طایفه اول: افاضل حکما ۲۴۳
- طایفه دوم: اهل ایمان (مؤمنان) ۲۴۳
- طایفه سوم: اهل تسلیم ۲۴۴
- طایفه چهارم: مستضعفان ۲۴۴
- طایفه پنجم: نمودگرایان ۲۴۴
- انواع حکومت‌های نامطلوب (غیر فاضله) ۲۴۵
- الف. حکومت جاهله ۲۴۵
- ب. حکومت فاسقه ۲۴۶
- ج. حکومت ضاله ۲۴۷
۱. حکومت ضروری (حیوانی و ابتدایی) ۲۴۸
۲. حکومت سوداگر و ثروت‌طلب ۲۴۹
۳. حکومت لذت‌طلب ۲۴۹
۴. حکومت اعتبارطلب (کرامیه) ۲۵۰
۵. حکومت سلطه‌گر (تغلب) ۲۵۱
۶. حکومت آزاد (احرار) ۲۵۲
- نتیجه‌گیری ۲۵۵
- گفتار چهارم: اندیشه سیاسی سهروردی ۲۵۷
۱. مقدمه ۲۵۹
۲. منابع و سرچشمه‌های «آیین سیاسی اشراقی» ۲۵۹
۳. طرحی از یک گسست: سهروردی و سنت معمول فلسفه سیاسی ۲۶۱
۴. از خلال آثار: به دنبال «آیین سیاسی اشراقی» ۲۶۲
۵. اصلی بنیادین؛ «امرالله» چونان مبنای حکومت ۲۶۷
۶. «سیاست بر حق» و «امر الهی» از دیدگاه سهروردی ۲۷۱

- ۲۷۲..... ۷. رئیس مدینه و کسبِ حکمت
- ۲۷۴..... ۸ «حکمت» در خدمتِ «حکومت»
- ۲۷۸..... ۹. آشکارگی کرامات و اعتبار سیاسی
- ۲۸۱..... ۱۰. نکته‌ای به سکوت برگزار شده
- ۲۸۲..... ۱۱. پرده‌ای از ابهام؛ ماجرای قتلِ سهروردی
- ۲۸۹..... ۱۲. شکستِ سکوت؛ حسدِ حاسدان یا آیینِ سیاسی
- ۲۹۳..... گفتار پنجم: اندیشه سیاسی سید جمال‌الدین اسدآبادی
- ۲۹۵..... فصل اول: زندگی و زمانه
- ۲۹۵..... ۱. گذاری بر زندگانی و احوال سید جمال
- ۳۰۰..... ۲. آثار و تألیفات سید جمال
- ۳۰۱..... فصل دوم: دین، جامعه، سیاست
- ۳۰۱..... ۱. جایگاه سیاست
- ۳۰۵..... ۲. دین و سیاست
- ۳۰۸..... ۳. انسان و جامعه
- ۳۱۳..... ۴. منشأ و غایت حکومت
- ۳۱۹..... ۵. جایگاه مردم در نظام سیاسی
- ۳۲۱..... ۶. احزاب سیاسی
- ۳۲۳..... ۷. انواع حکومت
- ۳۳۰..... ۸. شرایط حاکم
- ۳۳۲..... ۹. ناسیونالیسم (ملی‌گرایی)
- ۳۳۴..... ۱۰. مشارکت
- ۳۳۴..... الف. امریه معروف و نهی از منکر
- ۳۳۵..... ب. نقد و انتقاد علمی و اجتماعی
- ۳۳۵..... فرجام سخن
- ۳۳۷..... گفتار ششم: اندیشه سیاسی شهید آیت‌الله مطهری
- ۳۳۹..... مقدمه
- ۳۳۹..... زندگی‌نامه

۲۴۰.....	اهمیت و ضرورت تنقیح اندیشه سیاسی شهید مطهری.....
۲۴۲.....	فصل اول: دین و سیاست.....
۲۴۴.....	جایگاه سیاست در اسلام.....
۲۴۴.....	ادله همبستگی دین و سیاست.....
۲۴۷.....	نسبت دین و سیاست.....
۲۵۱.....	فصل دوم: مشروعیت و مبانی آن.....
۲۵۲.....	۱. زور و غلبه.....
۲۵۲.....	۲. حق طبیعی و فطری.....
۲۵۳.....	۳. سنتی.....
۲۵۳.....	۴. قرارداد و رضایت عمومی.....
۲۵۴.....	۵. کارزمایی.....
۲۵۴.....	۶. مشروعیت الهی.....
۲۵۵.....	نظری به تقسیم‌های دیگر مشروعیت.....
۲۵۶.....	مشروعیت حکومت دینی.....
۲۵۷.....	۱. مشروعیت حکومت پیغمبر اسلام ﷺ.....
۲۵۷.....	۲. مشروعیت حکومت امامان علیهم‌السلام.....
۲۵۸.....	۳. مشروعیت حکومت عالمان دین.....
۲۵۹.....	تبیین نظریه استاد.....
۲۶۱.....	الف. قراین و شواهد مشروعیت صرف الهی.....
۲۶۲.....	تحلیل و بررسی.....
۲۶۵.....	ب. قراین و شواهد مشروعیت الهی - مردمی.....
۲۷۲.....	فصل سوم: زعامت و رهبری در اسلام.....
۲۷۵.....	نظارت یا حکومت فقیه.....
۲۷۷.....	ولایت فقیه.....
۲۷۹.....	اختیارات ولایت فقیه.....
۲۸۱.....	اهداف حکومت دینی.....
۲۸۵.....	فصل چهارم: جایگاه مردم در حکومت اسلامی.....
۲۸۵.....	۱. حاکم، وکیل و امین مردم.....

۲. حق انتخاب حاکم (عدم تحمیل حکومت)..... ۳۸۹
۳. حق نظارت و انتقاد..... ۳۹۰
۴. اصل شورا..... ۳۹۱
- فصل پنجم: حکومت دینی و آزادی..... ۳۹۳
- تعریف آزادی..... ۳۹۳
- آزادی‌های اجتماعی..... ۳۹۴
- آزادی بیان..... ۳۹۵
- آزادی بیان، عامل رشد اسلام و انقلاب..... ۳۹۵
- توصیه‌ای به مخالفان آزادی بیان..... ۳۹۶
- چگونگی برخورد با شبهات دینی..... ۳۹۶
- حدود آزادی‌ها..... ۳۹۷
- تفکیک آزادی اندیشه و عقیده..... ۳۹۸
- فصل ششم: تحلیل نظریه «جمهوری اسلامی»..... ۴۰۱
- شکل حکومت در عصر غیبت..... ۴۰۱
- توضیح «جمهوریت»..... ۴۰۳
- توضیح «اسلامیت»..... ۴۰۴
- تناقض‌نمای جمهوریت و اسلامیت!..... ۴۰۵
- علت حذف قید دموکراتیک..... ۴۰۷
۱. زاید بودن..... ۴۰۸
۲. توهم نبود آن در اسلام..... ۴۰۸
۳. ناسازگاری دموکراتیک غربی با اسلام..... ۴۰۸
۴. عدم تقلید از غرب..... ۴۰۹
- گفتار هفتم: اندیشه سیاسی شهید دکتر بهشتی..... ۴۱۱
- مقدمه..... ۴۱۳
- فصل اول: مبانی اندیشه سیاسی..... ۴۱۵
۱. هدفداری نظام هستی..... ۴۱۶
۲. ماهیت انسان..... ۴۱۹

۴۲۲.....	آرا و اندیشه‌های سیاسی
۴۲۵.....	فصل دوم: دین و سیاست
۴۲۹.....	فصل سوم: نظام سیاسی اسلام
۴۲۹.....	ماهیت دولت
۴۳۵.....	۳. سلوک حکومت در نظام اسلامی ایران
۴۴۱.....	فصل چهارم: رهبری و امامت در نظام سیاسی اسلام
۴۴۵.....	فصل پنجم: مشارکت و نظارت مردم
۴۴۹.....	فصل ششم: آزادی در نظام سیاسی اسلام
۴۵۵.....	فصل هفتم: قانون و قانون‌گرایی
۴۵۹.....	فصل هشتم: تشکیلات سیاسی و حزب
۴۶۵.....	کتابنامه
۴۶۵.....	کتابنامه گفتار اول
۴۶۹.....	کتابنامه گفتار دوم
۴۶۹.....	ا. کتاب‌ها
۴۷۲.....	ب. مقالات
۴۷۲.....	کتابنامه گفتار سوم
۴۷۴.....	کتابنامه گفتار چهارم
۴۷۴.....	ا. فارسی
۴۷۷.....	ب. انگلیسی
۴۷۷.....	کتابنامه گفتار پنجم
۴۸۰.....	کتابنامه گفتار ششم
۴۸۱.....	کتابنامه گفتار هفتم
۴۸۵.....	فهرست آیات
۴۸۷.....	فهرست روایات
۴۸۹.....	فهرست اشعار
۴۹۱.....	نمایه

پیشگفتار

پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و استقرار نظامی بر اساس آموزه‌ها و احکام آن در ایران از یک سو و شکست مکتب‌های بشری و ناکامی نظام‌های گوناگون اجتماعی در تأمین نیازهای مادی و معنوی انسان از سوی دیگر، بر گستره انتظار بشر از اسلام افزوده است.

انتظار آن است که اسلام به‌عنوان دین هدایت فرد و اداره جامعه تبیین، نظام‌های اجتماعی آن ترسیم و دیدگاه آن در مواجهه با یافته‌های علوم انسانی و مکاتب بشری، با منطقی مستدل و مستند ارائه گشته، بینش‌ها، ارزش‌ها و منش‌های دینی متدینان، آسیب‌شناسی و ساحت قدسی دین از پیرایه‌های موهوم و موهون، پیراسته گردد.

تحقق این امور، پژوهشی دقیق، جامع و سامان‌مند پیرامون کشف و بازآفرینی آموزه‌های اسلام و نظام‌های اجتماعی آن و همتی والا و تلاشی شایسته و روزآمد را می‌طلبد و این امر بدون تأسیس نهادهای پژوهشی و آموزشی محض و کارآمد میسر نیست.

بدین منظور پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی که نهادی علمی و غیرانتفاعی است در قالب چهار پژوهشکده حکمت و دین‌پژوهی، نظام‌های اسلامی و فرهنگ و مطالعات اجتماعی و دانشنامه‌نگاری و نوزده گروه علمی تخصصی در سال ۱۳۷۳ تأسیس گردید.

پژوهشکده نظام‌های اسلامی، که مشتمل بر شش گروه اخلاق، اقتصاد،

حقوق، سیاست، مدیریت اسلامی و اندیشه جوان است، به طور خاص با مطالعه نظام‌های اجتماعی، اهداف زیر را تعقیب می‌کند:

۱. کشف و طراحی نظام‌های سیاسی، حقوقی و اقتصادی اسلام؛
 ۲. تحقیق و تبیین عالمانه مبانی و مباحث اساسی نظام‌های اجتماعی اسلام و ارائه الگوهای کاربردی در قلمرو آن؛
 ۳. آسیب‌شناسی نظری و کاربردی نظام جمهوری اسلامی ایران و مدد‌رسانی به متولیان امور و بسترسازی برای تحقق کامل‌تر نظام‌های اسلامی؛
 ۴. تحقیق در باب مسائل مستحدثه به انگیزه گره‌گشایی در زمینه نیازهای نوپیدای فقهی؛
 ۵. پاسخ‌گویی به شبهات مطرح در باب فقه و نظام‌های سیاسی، حقوقی و اقتصادی اسلام؛
 ۶. شناخت و نقد علمی مکتب‌ها و نظام‌های معارض.
- تحقیق حاضر که نتیجه تلاش علمی جمعی از محققان ارجمند با اشراف جناب دکتر محسن مهاجرنیا در گروه سیاست پژوهشکده نظام‌های اسلامی است، به موضوع اندیشه سیاسی اسلام می‌پردازد. موضوع تحقیق عنوان عامی است که مشتمل بر معرفت‌های مختلف اسلامی است. بخشی از رویکرد سیاسی اسلام به مباحث فکری و اعتقادی بر می‌گردد که در تبیین و دفاع از اصول و بنیادهای سیاسی و اساسی دین کاربرد دارند؛ مانند نقش توحید در جامعه و نقش رسالت و امامت و انتظار بشر از دین در اداره زندگی سیاسی که اصطلاحاً به آن «کلام سیاسی» اطلاق می‌شود. بخشی دیگر در مباحث رفتاری و تکالیف اجتماعی و سیاسی مکلفان حقیقی و حقوقی متمرکز است که با اصطلاح علمی «فقه سیاسی» شناخته می‌شود. بخشی دیگر از رویکرد سیاسی اسلامی در قالب مباحث هنجاری، اخلاقی و عرفانی طرح شده است که با عنوان «اخلاق مدنی اسلام» و «عرفان سیاسی اسلام» شناخته می‌شود. یک بخش مهم از رویکرد سیاسی اسلام در قالب مباحث کلی و نظری ارائه شده است که با عنوان علمی «فلسفه سیاسی اسلام» مورد توجه پژوهشگران قرار

گرفته است. البته در این میان متفکران مسلمان گاهی در قالب شیوه‌های نوینی همانند «اندرزنامه سیاسی»، «سیاست‌نامه» و «سفرنامه سیاسی» اندیشه‌ها و دیدگاه‌های سیاسی اسلامی خود را ارائه داده‌اند. آنچه در این مجموعه تقدیم می‌شود، به طور عمده در دو حوزه معرفتی «فلسفه سیاسی اسلام» و «فقه سیاسی» متفکران شیعی، متمرکز شده است. از مهم‌ترین راه‌های دستیابی به اندیشه سیاسی اسلام، تبیین اندیشه سیاسی متفکران مسلمان در قالب تکن‌نگاره‌ها و تحلیل دوره‌های آن است. پژوهش حاضر رسالت خود را در مرحله نخست می‌داند و بر این باور است که راه رسیدن به اندیشه سیاسی اسلام تبیین درست اندیشه سیاسی متفکران در حوزه‌های مختلف می‌باشد.

بر خلاف تلقی کسانی که قائل به جدایی حوزه دین از سیاست هستند و یا بر این باورند که فقه شیعه از سیاست به دور بوده است و یا فیلسوفان و فقیهان شیعی در گوشه عزلت زیسته‌اند و به مباحث سیاسی توجه نداشته‌اند و یا اینکه اسلام فلسفه سیاسی ندارد، ادعای این تحقیق آن است که پیوستگی وثیق اسلام و سیاست به گونه‌ای است که فیلسوفان مسلمان و فقیهان شیعی که نمایندگان فکری اسلام هستند به خوبی توانسته‌اند اندیشه سیاسی اسلام را مطرح کنند.

این تحقیق در سه مجلد و در چهارچوب فقه سنتی و فلسفه اسلامی به توصیف و تحلیل اندیشه سیاسی متفکران می‌پردازد. آنچه فرا روی شما است جلد اول از این مجموعه است که با عنوان فرعی «فلسفه سیاسی اسلام» می‌باشد.

در پایان لازم می‌دانیم از دانشور گرامی و محقق محوری این پژوهش، جناب دکتر محسن مهاجرنیا و تک تک همکارانشان که در تهیه و تدوین این مجموعه نفیس تلاش کرده‌اند تقدیر و تشکر نماییم. همچنین از همه اساتید و صاحب‌نظرانی که در ارزیابی و نظارت بر مقالات همکاری داشته‌اند سپاسگزاری می‌شود. از ریاست محترم پژوهشگاه جناب استاد حجت‌الاسلام و المسلمین حاج آقای رشاد که نقش به‌سزایی در شکل‌گیری مجموعه ایفا کرده‌اند و همه اعضای محترم شورای علمی گروه آقایان دکتر جهان‌بزرگی،

دکتر حشمت‌زاده، دکتر تقوی و حجت‌الاسلام مهدوی که در سامان‌یابی مجموعه بذل عنایت داشته‌اند و سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی که مسئولیت آماده‌سازی، انتشار و توزیع آن را بر عهده دارد، کمال تشکر را داریم.

در خاتمه امیدواریم نظرات و دیدگاه‌های صائب خوانندگان عزیز و علاقمندان به حوزه اندیشه سیاسی اسلام، ما را در اصلاح و تلطیف مجموعه حاضر یاری نماید.

پژوهشکده نظام‌های اسلامی

گروه سیاست

مقدمه

به‌رغم اینکه در معنای واژه سیاست نوعی اشتراک نظر بین متفکران سیاسی وجود دارد و همگان آن را در معنای تدبیر، اداره کردن امور مملکت، مراقبت، اصلاح امور خلق، رعیت‌داری و مردم‌داری به کار برده‌اند؛ ولی در مفهوم اصطلاحی آن، هر اندیشمندی از زاویه نگرش خویش و از منظر دغدغه‌های حیات سیاسی خود بدان نگرسته است.

دین‌داران از منظر رابطه انسان با خدا سیاست را تعریف کرده‌اند.^۱ برخی از فیلسوفان از مفهوم سیاست، اصلاح و از بین بردن خلل و فساد را اراده کرده‌اند. مادی‌گرایان آن را با قطع نظر از هر گونه اندیشه ماورایی و کشف و شهودی، «انعکاس مبارزه طبقاتی» تلقی کرده‌اند.^۲ گروهی با نگاه علمی، سیاست را علمی می‌دانند که به انسان می‌آموزد؛ چه کسی می‌برد؟ چه چیزی می‌برد؟ کی می‌برد؟ چگونه می‌برد؟ و چرا می‌برد؟^۳ برخی دیگر سیاست را «علم دولت» و «علم قدرت» تفسیر کرده‌اند.^۴ از دیدگاه فیلسوفان مسلمان، سیاست، اسم مشترک است که بر چند نوع متباین اطلاق می‌شود. در واقع جنس کلی (مشترک معنوی) برای انواع خود نیست، تا بتوان با یک مفهوم

۱. امام خمینی، صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۲۱۷.

۲. خسرو روزبه، واژه‌های نو.

۳. ر.م. مک آبور، جامعه و حکومت، ص ۲۶۴.

۴. صادق الاسود، علم الاجتماع السياسي، ص ۲۳.

واحد همه انواع آن را اراده و تعریف کرد؛ بلکه هر نوع آن با نوع دیگر در ذات و طبیعت متفاوت است^۱ و هر کدام را جداگانه باید تعریف کرد.

طبعاً ارائه یک تعریف جامع و مانع از همه انواع آن انتظاری غیرممکن است. از طرفی موضوع سیاست از مواد و اعراض آن به سادگی قابل تفکیک نیست^۲ و به شدت معنای آن از شرایط محیطی و پیش فرض های ایدئولوژیکی و نحوه نگرش و بینش و کنش و رهیافت های مختلف فکری متأثر است. بر این مبنا، آنها سیاست را در دو مفهوم خاص و عام تعریف کرده اند. در یک تعریف عام، که سیاست را عامل استحکام و قوام بخشی به زندگی اجتماعی انسان ها از دو بعد مادی و معنوی یا جسمانی و روحانی می داند، مفهوم عام همان است که آنها از آن به «فلسفه مدنی» یا «علم مدنی» یا «علم انسانی» یا «فلسفه عملی» تعبیر می کنند.^۳

سیاست از دیدگاه اخوان الصفا عبارت است از تدبیرها و راهبردهای علمی و عملی برای اصلاح و هدایت انسان ها به منظور نیل به عالی ترین اهداف انسانی، آنها سیاست را علاوه بر تقسیم جسمانی و روحانی، به اعتبار نوع تدبیرها و چگونگی روابط انسان ها با یکدیگر و نیز به اعتبار ویژگی های سیاست کنندگان و سیاست شوندهگان تقسیم کرده اند.^۴

خواجه طوسی سیاست را با نظر به فعل سیاسی که در مطلق جوامع، اجتماع های مختلف و گروه ها رخ می دهد، تعریف می کند و به اعتبار غایتش که غایت آن بسته به تعریف از انسان و زندگی مختلف می شود، ارشاد:

۱. ابونصر فارابی، *مصول منتره*، ص ۹۲.

۲. ابونصر فارابی، *الجدل*، صص ۲۹-۳۳.

۳. محسن مهاجرنیا، *اندیشه سیاسی فارابی*، صص ۱۶۷-۱۷۴.

۴. اخوان الصفا سیاست را به پنج نوع جزئی تر تقسیم نموده است... علم السياسة و هي خمسة انواع: اولها السياسة النبويه والثاني السياسة الملوکيه والثالث السياسة العامیه والزاب السياسة الخاصیه والخامس السياسة الذاتيه.

«علم سیاست پنج نوع است: اول سیاست نبوی، دوم سیاست ملوکی، سوم سیاست عامه، چهارم سیاست خاصه، پنجم سیاست ذاتی».

هدایت، تحصیل سعادت و بالاخره ایصال الی المطلوب می‌داند.^۱

فارابی سیاست را در معنای خاص، بخشی از «حکمت عملی» (تدبیر مدن و محصول عمل سیاستمداران) می‌داند و در تعریف آن می‌گوید:

سیاست عبارت از اعمالی است که از حرفه زمامداری ناشی می‌شود و آن اعمال شامل ایجاد افعال و ملکات و فضایل در جامعه و نگهداری از آنها است و این نوع سیاست از راه دانش و تجربه خاص سیاستمداران تحصیل می‌شود.^۲

بنابراین سیاست به معنی اخص به حوزه عمل زمامداران مربوط است و به همین جهت می‌توان آن را به مفهوم «قدرت سیاسی» تعبیر کرد. فارابی در تعریف سیاست فاضله می‌گوید:

سیاستی است که سیاستمداران و رعیت به مدد آن به فضایی نایل می‌شوند که جز از طریق آن، رسیدن به آن فضایل امکان‌پذیر نیست.^۳

او علاوه بر استفاده از «سیاست» و «علم سیاست» در این مفهوم از دو اصطلاح «سیاست مدنی» که در شرح آن کتاب گرانسنگ *السیاسة المدنیة*^۴ را نگاشته است؛ و همچنین از «صناعت ملکی» یا «صناعت مدنی» نیز بهره می‌گیرد. از اصطلاح صناعت ملکی گاهی به «مهنة ملكية»،^۵ «حرفه زمامداری» و «صناعت مدنی»^۶ نیز تعبیر شده است. این صناعت، قدرتی است که در اختیار زمامداران است و به مدد آن می‌توانند بر اعمال و رفتارهای سیاسی در جامعه اقدام کرده، خیرات و کالاهای اجتماعی را توزیع نمایند و از ابعاد قدرت خود محافظت کنند.^۷ بنابراین زمامداران به واسطه این صناعت،

۱. مرتضی یوسفی راد، اندیشه سیاسی خواجه نصیرالدین طوسی، ص ۱۰۵.

۲. ابونصر فارابی، *المکة*، ص ۵۴؛ ابونصر فارابی، *احصاء العلوم*، ص ۶۵.

۳. ابونصر فارابی، *فصول متزهة*، ص ۹۲.

۴. *السیاسة المدنیة*، توسط دکتر فوزی متری نجار تحقیق و تصحیح شده و در سال ۱۹۶۴ میلادی در بیروت به چاپ رسید. به فارسی نیز ترجمه شده است و به نظر می‌رسد ترجمه آن خالی از اشکال و اشتباه نباشد.

۵. ابونصر فارابی، *فصول متزهة*، صص ۳۹-۴۹.

۶. همان، ص ۳۹.

۷. ابونصر فارابی، *المکة*، ص ۵۴.

شایستگی رهبری سیاسی را پیدا می‌کنند. زمامدار به واسطه حرفه زمامداری و صنعت تدبیر مدن و به مدد قدرت بر به‌کارگیری صنعت ملکی، زمامدار است.^۱ وی علاوه بر اصطلاح سیاست، از واژه‌هایی، نظیر «صنعت ملکی»، «تدبیر مدینه»، «تدبیر مدنی»، «تدبیر مملکت» و «تدبیر در مصالح بنندگان» در همین مفهوم استفاده کرده است. معلم ثالث، ابوعلی مسکویه افزون بر کاربرد مطلق واژه سیاست، در مواردی آن را به صورت مضاف به کار برده که عبارت‌اند از:

۱. سیاست نفس؛
۲. سیاست والدین؛
۳. سیاست منزل؛
۴. سیاست مدینه؛
۵. سیاست مملکت؛^۲
۶. سیاست ملک [فاضل یا جائز]؛
۷. سیاست الهی؛
۸. سیاست شرعی؛
۹. سیاست طبیعی.

سیاست از زوایای مختلف در عرصه حیات فردی و اجتماعی انسان وارد شده است. ایشان در کتاب *الهوامل و الشوامل* در تعریف سیاست ملکی (معنای خاص) می‌گوید:

صناعتی است که مدنیت را قوام می‌بخشد و مردم را بر مقتضای مصالح‌شان رهنمون می‌شود.^۳

شیخ مفید با رویکرد فقهی و کلامی سیاست را مساوق با مفاهیمی چون «تدبیر»^۴

۱. «الملك هو ملك بالهنة الملكية و بصناعة تدبیر المدن و بالقدرة علي استعمال الصناعة الملكية». ابن‌نصر فارابی، *فصول متزعة*، ص ۴۹.

۲. مهاجرنیا، *اندیشه سیاسی مسکویه*، ص ۳۵.

۳. مسکویه، *الهوامل و الشوامل*، ص ۳۳۳.

۴. شیخ مفید، *المسائل العکبریه*، صص ۶۳ و ۱۲۲؛ *الافصاح*، صص ۳۲ و ۳۳؛ *المقننه*، ص ۸۰۹ و *الفصول المختار*، ص ۲۱۴.

«ریاست»،^۱ «امر و نهی»،^۲ «نظارت»، «ولایت»،^۳ «امامت»^۴ و «خلافت»^۵ به کار برده است. بنابراین سیاست از نظر ایشان، تأدیب و تربیت انسان‌ها و تدبیر امور دینی و دنیوی مردم و ریاست، نظارت و ولایت بر ابعاد مختلف زندگی سیاسی و اجتماعی آنها و امر و نهی ایشان در جهت تأمین خیر و صلاح دنیوی و اخروی آنان است که از طریق رئیس، سلطان و امام عادل اعمال می‌گردد؛^۶ از این‌رو شیخ وجود چنین سانس، رئیس، سلطان و امام عادل را که با وجود او و امر و نهی و تدبیر و سیاست او و مصلحت انسان‌ها تأمین می‌گردد، واجب دانسته است.^۷

مکلفان همواره نیازمند سیاست سلطانی هستند تا آنان را به اصلاح رهنمون گردیده و از فساد و تباهی دور سازد؛ جنایتکاران را تأدیب کرده، غافلان را آگاهی داده و آنها را از ضلالت و گمراهی تجذیر نموده، حدود را در میان ایشان اقامه و احکام را به اجرا بگذارد. اختلاف‌های آنان را حل کرده و مرزهای ایشان را امن ساخته و اموال آنها را محافظت نماید. امیرانی را برای اداره امور ایشان نصب کرده و آنان را در جمعه و جماعات جمع کند و حامی دین و دیانت در میان ایشان باشد.^۸

محقق نائینی با توجه به ضرورت سیاست معتقد است:

نظام عالم و تعیش نوع بشر متوقف بر سیاست است.^۹

۱. شیخ مفید، المسائل العکبریه، ص ۶۳؛ رساله فی معنی المولی، ص ۱۶؛ الانصاح، ص ۳۳؛ شیخ مفید، الفصول المختاره، ص ۲۴۸.
۲. همو، الانصاح، ص ۳۲.
۳. همو، رساله فی اقسام المولی، و المقتمه، صص ۶۷۳ و ۶۷۶؛ شیخ مفید، الفصول المختاره، صص ۱۲۹، ۲۸۹ و ۲۹۰.
۴. همو، الانصاح، صص ۲۷، ۳۷ و ۹۲؛ النکت الاحتفادیه، ص ۳۹.
۵. شیخ مفید، الفصول المختاره، ص ۲۴۸.
۶. شیخ مفید، المسائل الجارودیه، ص ۴۴.
۷. شیخ مفید، المسائل الفقه، ص ۱۱۳.
۸. شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۴۲.
۹. تنبیه الامامه، ص ۷.

مفهوم اندیشه سیاسی

در منابع مربوط به اندیشه سیاسی، کمتر چیزی که بدان پرداخته شده، تعریف خود اندیشه سیاسی است. اندیشه سیاسی که با زندگی و موضوع‌های جاری جامعه و «سیاست» ربط پیدا می‌کند، در صدد قابل فهم کردن سردرگمی‌های اوضاع سیاسی و اجتماعی است و به تلاش‌های انسان‌ها در راه ساختن یک «جامعه سیاسی» معطوف است.^۱ از این رو سیمای کلی در هر اندیشه سیاسی، تعریف و توصیفی است همه جانبه از کنش و واکنش‌هایی اجتماعی که انسان‌ها در چالش با زندگی سیاسی دارند. در رایج‌ترین تعریف آمده است:

اندیشه سیاسی عبارت است از کوششی برای تعیین اهدافی که به اندازه معقولی احتمال تحقق دارد و نیز تعیین ابزارهایی که در حد معقولی می‌توان انتظار داشت موجب دستیابی به آن اهداف بشود.^۲

برخی آن را تأمل درباره آرای سیاسی یا ارائه تفسیری از آنها دانسته‌اند و رأی سیاسی را خیال، مفهوم یا هر امر دیگری می‌دانند که برای تفکر درباره آن ذهن به خدمت گرفته می‌شود و با اصول اساسی سیاست نیز مرتبط می‌باشد. به باور عده‌ای، «اندیشه‌های سیاسی در حول علایق عمده اجتماعی شکل می‌گیرد و خود بر آنها تأثیر می‌گذارد. و برای دریافت درست آنها باید دیالکتیک اندیشه و واقعیت را بررسی کرد. اندیشه‌های سیاسی در هر عصری حتی اگر یوتوپیایی و انقلابی هم باشد، تنها می‌تواند تا اندازه بسیار محدودی از حدود علایق آن عصر فراتر رود. حتی تصویر جامعه خیالی نمی‌تواند بیش از حد معینی از وضع موجود متفاوت باشد. مواد اولیه یوتوپیها نیز از وضعیت‌های موجود یا گذشته گرفته می‌شود بدین سان کشمکش‌ها، علایق و صف‌بندی‌های نیروهای اجتماعی و سیاسی در هر عصری در شکل‌گیری و تکوین اندیشه‌های

۱. جامعه سیاسی چارچوبی است برای روابطی دارای نظم و نسق اجتماعی، که افراد آن در کنار هم زندگی می‌کنند و نیازها و آمال انسانی خویش را برآورده می‌سازند. و این تکاپویی هدفمند و بشری است. اهداف غایی سیاست برگرفته از نیازهای زندگی انسانی است.

۲. رک: گفتاری درباره اندیشه سیاسی www.aftab.ir

سیاسی آن عصر نقش انکارناپذیری دارد.^۱

برخی هم اندیشه سیاسی را تعمق درباره آرای سیاسی یا ارائه تفسیری از آنها می‌دانند. هر فلسفه سیاسی نوعی اندیشه سیاسی است، اما هر اندیشه سیاسی، فلسفه سیاسی نیست. نظریه سیاسی، فارغ از گرایش‌های آشکار ایدئولوژیکی و فلسفی و از عنصر تجویز و عمل خالی است و با گرایشی اثباتی، به تبیین محض معطوف می‌باشد. اندیشه سیاسی اگرچه ممکن است تا اندازه‌ای توصیفی یا تبیینی باشد، لیکن اصولاً جنبه هنجاری دارد و با چگونگی سازمان دادن به زندگی سیاسی بر حسب اصول نظری یا اخلاقی ویژه گره خورده است. درحالی که عده‌ای معتقدند:

انسان پیوسته با حوادث مستحدثه برخورد می‌کند و در مقابل آن چند کار انجام می‌دهد یا نظریه‌ای قبلی دارد که در این مورد هم کارآمد است یا نظریه قبلی را به روز و نو می‌کند و یا نظریه تنویبی‌ای می‌دهد. هر اندیشه‌ای در مقابل یک واقعه مستحدثه است یعنی در پاسخ به یک سؤال است. بنابراین اندیشه سیاسی پاسخی بشری است به یک مقوله کاملاً بشری به نام سیاست. اندیشه سیاسی به‌عنوان جزئی از سپهر اندیشه در کوشش بشر برای تعریف و تبیین مناسبات‌های خویش با خارج همیشه با زندگی اجتماعی ملازمت داشته است. البته هدف اندیشه سیاسی جستار در حقیقت سیاست فی‌نفسه نبود، بلکه کوششی بود عملی برای پیدا کردن راه حل‌هایی در جهت بالابردن کارآمدی، تنظیم، عملکرد جنجال‌گریز، و اداره بهتر مدینه. برخی بدون اینکه تعریف مشخصی از اندیشه سیاسی ارائه بدهند، هدف آن را کارآمدی حکومت و اداره بهتر جامعه می‌دانند و فایده عملی اندیشه سیاسی را بهبود رابطه مردم و حکومت‌ها، کارآمد کردن حکومت‌ها، احیای حقوق مردم، تبیین وظایف و تکالیف و حقوق متقابل ملت‌ها و دولت‌ها، کاربری در سیاست‌گذاری عمومی و برنامه‌ریزی کشور و... می‌دانند.^۲

با وجود همه این تعریف‌ها، به نظر می‌رسد تعریف اندیشه سیاسی به مجموعه باورهای فلسفی که به‌طور مستقیم به اداره امور جامعه و حیات جمعی مرتبط باشد، به نوعی از سایر تعریف‌ها جامع‌تر می‌باشد. توجه دقیق به

۱. سید صادق حقیقت، «نگاهی به فلسفه سیاسی در اسلام»، فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۲.

ساختار این تعریف، شناخت ما را نسبت به مفهوم «اندیشه سیاسی» تقویت خواهد کرد؛

اول آنکه: جنس اندیشه سیاسی، مجموعه باورهای فلسفی ذکر شده است به این معنا که اندیشه سیاسی ماهیتاً فلسفی است (فلسفی به معنای عام کلمه) و طبیعتاً این معنا القا می‌شود که قوام گرفتن یک اندیشه سیاسی از روش‌های علمی پیروی نمی‌کند؛ به این مفهوم که در متدولوژی از روش‌های فلسفی بر می‌خیزد و نه از روش‌های علمی.

دوم آنکه: اندیشه سیاسی به‌طور مستقیم به اداره امور مردم مرتبط است. بر این اساس بخشی از باورهای فلسفی از جرگه اندیشه سیاسی خارج است: اگر چه اندیشه سیاسی در دایره باورهای فلسفی است. در حقیقت این قید، تعریف را مانع می‌کند.

سوم اینکه: بدون آنکه ایدئولوژی به ظاهر در تعریف اندیشه سیاسی راه داشته باشد، ذاتی اندیشه سیاسی است.

از مجموع تعریف‌هایی که در خصوص اندیشه سیاسی ارائه شد، ویژگی‌های زیر را می‌توان برای آن برشمرد:

۱. اندیشه سیاسی عام و کلی است و هر گونه تأمل در باب سیاست را شامل می‌شود.

۲. مجموعه باورهای فلسفی است.

۳. به‌طور مستقیم به اداره امور جامعه و مردم مرتبط می‌شود.

۴. در پی حل بحرانی از جامعه انسانی است.

۵. از خصلت ایدئولوژیکی برخوردار است.

با توجه به تعریف‌هایی که از اندیشه سیاسی ارائه و شناختی که از این حوزه از معرفت سیاسی حاصل شد، اینک می‌توان به این پرسش پاسخ داد که اندیشمند سیاسی کیست؟

در پاسخ باید گفت: اندیشمندان سیاسی کسانی هستند که در پی حل بحران‌های موجود در جامعه هستند، لذا بحران برای آنها سؤال ایجاد می‌کند و

آنها در پی پاسخ‌گویی به این پرسش و همچنین ضمن ترسیم یک نظام سیاسی و ارائه راه حل، سعی می‌کنند تا کمبودها و نقایص نظام‌های قبلی برطرف شود. بنابراین اندیشمند سیاسی کسی نیست که صرفاً دارای مجموعه‌ای از آرا و اهداف باشد و ابزارهای رسیدن به آن هدف‌ها را به دست دهد، بلکه باید بتواند درباره آرا و عقاید خود به شیوه‌ای عقلانی و منطقی استدلال کند تا حدی که اندیشه‌های او دیگر صرفاً آرا و ترجیح‌های شخصی به شمار نرود.

هر چند طبق آنچه که در تعریف اندیشه سیاسی بیان شد، جنس اندیشه سیاسی، مجموعه باورهای فلسفی است؛ اما باید توجه داشت که هر جمله فیلسوفانه، اندیشه سیاسی و هر فیلسوفی، اندیشمند سیاسی نیست؛ بلکه اندیشه سیاسی مجموعه باورهای فلسفی است که در طول هم قرار می‌گیرد، نه یک موضوع مجرد. بنابراین اگر کسی جمله‌ای فیلسوفانه، زیبا و مردم‌پسند بگوید و در یک عبارت نحوه اداره جامعه را توضیح دهد، چنین شخصی اندیشمند سیاسی نیست و آنچه عرضه می‌کند، اندیشه سیاسی نیست؛ چرا که اندیشه سیاسی یک امر و یک عبارت نیست، اندیشمند سیاسی کسی است که بتواند برای هر سؤال فلسفی مرتبط با اداره جامعه پاسخی غیرمعارض با دیگر باورهای خود بیابد. از لحاظ منطقی این مجموعه باورها باید در طول هم باشد و با هم معارضه نکنند. استحکام و سستی یک اندیشه سیاسی را از توالی باورهای غیرمعارض می‌توان بازشناخت.

البته همه کسانی را که به عنوان اندیشمندان سیاسی می‌شناسیم توانسته‌اند یک مجموعه منسجم از باورهای فلسفی را به عنوان اندیشه سیاسی خود مطرح سازند. آنچه جای بحث باقی گذاشته، آن است که بعضی از این باورها به ظاهر در طول هم‌اند و با دقت و تأمل، تناقض‌های آنها آشکار می‌شود و یا آنکه بنیان‌های اولیه بعضی اندیشه‌ها مورد پذیرش نیست. مثلاً مارکس یک اندیشمند سیاسی است که توانسته مجموعه باورهای خود را از نحوه اداره جامعه در طول هم قرار دهد، ولی جدای از بنیان‌های باطل زیر بنای تفکرش،

مرتکب تناقض‌هایی در ردیف کردن مجموعه باورهای خود شده که اندیشه‌هایش را سست کرده، اما سستی اندیشه‌های او اندیشه‌اش را باطل ساخته است، نه اندیشمند بودنش را.

با استناد به آنچه که در تعریف اندیشه سیاسی گفتیم، متذکر می‌شویم که اندیشه سیاسی به‌طور مستقیم به اداره امور مردم مرتبط است. هرچند جنس اندیشه سیاسی، مجموعه باورهای فلسفی است، اما با این تذکر دیگر نمی‌توان بسیاری از باورهای فلسفی را در جرگه اندیشه سیاسی قرار داد. بنابراین فیلسوفانی که به نحوه اداره جامعه نپرداخته‌اند، اندیشمند سیاسی نیستند، اما همه اندیشمندان سیاسی فیلسوفی می‌کنند، حتی اگر بنیان‌های فلسفی آنها، سست باشد یا ادعا کنند که از فلسفه بیزارند.

در مجموع می‌توان ویژگی‌های زیر را برای یک اندیشمند سیاسی برشمرد:

۱. اندیشمند سیاسی لزوماً نباید عالم علم سیاست باشد.
۲. اندیشمند سیاسی باید در پی حل بحران‌های موجود در جامعه باشد و بتواند تصویر و ترسیم از مدینه فاضله خویش را که از جامعیت نسبی برخوردار است ارائه کند.
۳. باید توان استدلال منطقی درباره آرا و عقاید خود را به شیوه‌ای عقلانی و منطقی داشته باشد.
۴. باید برای هر سؤال فلسفی مرتبط با اداره جامعه پاسخی غیرمعارض با دیگر باورهای خود ارائه دهد. (مجموعه منسجمی از باورهای فلسفی داشته باشد)

اندیشه سیاسی، پاسخی منسجم، منظم، هدفمند برای سامان دادن به زندگی سیاسی انسان است. اندیشه سیاسی اسلام، مجموعه آموزه‌های اسلامی منسجم، منظم و هدفمند است که برای سامان دادن به زندگی سیاسی انسان ارائه شده است.

توضیح اینکه در اندیشه سیاسی بشری بین «واقعیت خارجی» با اندیشه سیاسی ممکن است روابط متقابل باشد، یعنی زندگی سیاسی بر اندیشه سیاسی

تأثیر بگذارد و بالعکس و یا همزمان تأثیر و تأثر متقابل باشد. توضیح اینکه آموزه‌های اسلامی شامل دو بخش می‌شود. یک بخش بنیادهای کلی ثابت، فرازمانی و فرامکانی است که متناسب با جایگاه انسان و جامعه ارائه شده است. این بخش از واقعیت‌های زندگی سیاسی انسان متأثر نیست، بلکه همواره بر زندگی سیاسی اثرگذار است.

بخش دوم: ساز و کارهای متغیر است که تأثیر و تأثر متقابل با زندگی سیاسی دارد، همانند ساختار و شکل حکومت که مقتضیات سیاسی در آن مؤثرند و اندیشه سیاسی اسلام با پذیرش بهترین ساختار به ترسیم ارزش‌ها و هنجارهای آن می‌پردازد. مقصود از زندگی سیاسی، مجموعه کنش و واکنش‌های اجتماعی است که در قلمرو قدرت انجام می‌گیرد. و منظور از قیود «منسجم، منظم، هدفمند» هم برای خارج کردن سایر رویکردها و گرایش‌های سیاسی از دایره مفهوم اندیشه سیاسی است؛ مانند آرای سیاسی و ایدئولوژی‌های سیاسی.

گونه‌شناسی اندیشه سیاسی اسلام

اندیشه سیاسی اسلام از منظره‌های مختلف به گونه‌های متفاوتی قابل تقسیم است. از جمله:

۱. به اعتبار معرفتی: به این اعتبار اندیشه سیاسی اسلام به گونه‌های زیر تقسیم می‌شود.

الف. فلسفه سیاسی اسلام: دانشی کلی، فرازمانی، فرامکانی که از آموزه‌های دین بهره می‌گیرد.

ب. کلام سیاسی: دانش اعتقادی که متکلف بیان باورهای دینی در باب سیاست است.

ج. فقه سیاسی: دانشی رفتاری که از طریق منابع و نصوص دینی به شیوه اجتهادی، وظیفه سیاسی مکلفان را مشخص می‌کند و در آن نص با عینیت

خارجی مواجه می‌شود.

د. عرفان سیاسی اسلامی: دانشی است که از طریق کشف و شهود با استناد به اسلام به سیاست توجه دارد.

ه. اخلاق سیاسی: دانشی هنجاری است که به بیان هنجارهای سیاسی جامعه، حکومت و حاکمان توجه دارد.

۲. به اعتبار پویایی: اندیشه سیاسی به این اعتبار به دو بخش تقسیم می‌شود:

الف. اندیشه سیاسی دینامیک و دارای پویایی.

ب. اندیشه سیاسی استاتیک و حافظ نظم موجود.

۳. به اعتبار پیوستگی: اندیشه سیاسی به این اعتبار به دو بخش تقسیم می‌شود:

الف. اندیشه سیاسی مکانیکی.

ب. اندیشه سیاسی ارگانیکی.

۴. به اعتبار قلمرو: اندیشه سیاسی به این اعتبار به دو قسم قابل تقسیم است:

الف. قلمرو موضوعی.

ب. قلمرو منظومه‌ای.

۵. به اعتبار روش: اندیشه سیاسی به این اعتبار به ۴ قسم قابل تقسیم است.

الف. اندیشه سیاسی با روش عقلی.

ب. اندیشه سیاسی با روش نقلی.

ج. اندیشه سیاسی با روش هنجاری.

د. اندیشه سیاسی با روش تاریخی.

سیر تحول اندیشه سیاسی

اندیشه سیاسی و موضوع‌هایی که در آن مطرح بوده، در طول تاریخ اندیشه دچار تحول شده است. می‌توانیم بگوییم که اندیشه‌های سیاسی، به اعتبار

نسبتشان با دوران‌های تاریخی، یا به دوران قدیم تعلق دارند و یا به دوران جدید. بنابراین می‌توان سیر تحول اندیشه سیاسی را به دو دوره اندیشه سیاسی کلاسیک (سنتی) و اندیشه سیاسی مدرن تقسیم کرد. این مسئله روشن است که اندیشه‌های سیاسی و تحول آنها، تابعی از تحول‌های اجتماعی، اقتصادی و تاریخی است. بنابراین در دو دوره مذکور، اندیشمندان سیاسی متأثر از تحولات اجتماعی، اقتصادی و تاریخی به پرسش‌های مختلفی پاسخ داده‌اند. در دوره کلاسیک، محدوده اندیشه سیاسی را می‌توان از دوران فیلسوفان باستان — که طبق تعریف اندیشه سیاسی، مجموعه باورهای فلسفی که به‌طور مستقیم به اداره امور جامعه باشد ارائه داده‌اند — تا زمان *ماکیاولی* (۱۵۲۷-۱۴۶۹) دانست. پرسش‌هایی که نوعاً در سنت کلاسیک اندیشه سیاسی، حداقل از زمان *افلاطون* به این سو مطرح بوده از این قبیل‌اند: عدالت چیست؟ آیا بشر حقوقی دارد و اگر پاسخ مثبت است این حقوق کدامند؟ نقش دولت چیست؟ آیا افراد نیازهای تعریف‌پذیری دارند و اگر چنین است چه کسی وظیفه دارد آنها را برآورد؟ آیا حکومت باید بیشترین سعادت را برای بیشترین افراد فراهم کند؟ و اگر چنین است جایگاه اقلیت‌ها در چنین برنامه‌ای کجا است؟ مایه مشروعیت یک حکومت یا حاکمیت یک دولت چیست؟ شایستگی متضمن چه نوع مطالباتی بر منابع است؟ اکثریت تا چه میزان مجاز است نگرش اخلاقی خود را بر دیگران تحمیل کند؟ آیا می‌توانیم تبیین مناسبی از مبنای اخلاقی نهادهای اجتماعی و سیاسی ارائه کنیم؟ بهترین شکل حکومت کدام است؟ در اندیشه سیاسی غرب از *افلاطون* و *ارسطو* گرفته تا *مارکس* و *استوارت میل* در قرن نوزدهم همواره تصور این بوده است که این قبیل پرسش‌ها را می‌توان به نحو معقول و عینی پاسخ گفت، به‌طوری که می‌توان گفت اخلاقیات سیاسی مبنایی معقول دارند. آنها این فرض را که اخلاقیات سیاسی تابعی است از ترجیحات، احساس‌ها، نگرش‌ها یا آمال فردی، انکار می‌کردند، این تلقی از اندیشه سیاسی همان است که گاه مینائنگاری نیز خوانده شده است. مراد این است که احکام و مواضع اخلاق سیاسی اولاً دارای مبنای شالوده‌ای است و ثانیاً این مبنای قابل

توجیه عقلی است.

سنت اندیشه سیاسی کلاسیک مبتنی بر این پیش فرض بنیادین بود که اخلاقیات سیاسی و قضاوت‌های این حوزه تابع احساس‌ها و آمال فردی نیستند و در نتیجه می‌توان این قضاوت‌ها و این حوزه را بر مبادی معقولی بنا نهاد. از این مقدمات چنین نتیجه می‌گرفتند که اگر این اخلاقیات و قضاوت‌ها، تابع یا مولود احساس‌ها و آمال فردی باشند، اندیشه سیاسی، منزلت و جاهت خاصی به عنوان حوزه‌ای معرفتی نخواهد داشت. یکی از مهم‌ترین و بنیانی‌ترین رویکردهای اندیشه سیاسی سنتی همواره این بوده است که هر نوع نظریه‌پردازی درباره نظام اجتماعی - سیاسی را متناسب و بلکه مبتنی بر نظریه یا تبیینی از ماهیت بشر می‌کرده است. این رویکرد بدین معنا است که نظام‌های اجتماعی - سیاسی هر یک از فیلسوفان سنتی، مثلاً تم و مبتنی بر تلقی از ماهیت بشر است. اندیشه سیاسی قدیم یا کلاسیک معمولاً آمیزه‌ای از انواع مختلف پژوهش و اندیشه‌ورزی بوده است.

اندیشه سیاسی نوین هم انعکاس نیازها و پرسش‌های دنیای جدید است. که البته در بسیاری از مفاهیم که ممکن است ماهیت متفاوتی با گذشته پیدا کرده باشند، اشتراک موضوعی دارند.

آنچه تحت عنوان، اندیشه سیاسی متفکران مسلمان تقدیم می‌شود، حاصل تلاش جمعی از محققان حوزوی است که در گروه سیاست پژوهش‌کننده نظام‌های اسلامی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در فاصله سال‌های ۱۳۷۹-۱۳۸۰ به انجام رسید. در آغاز به دلیل حجم گسترده متفکران مسلمان، قرار بر این شد که با معیارهایی دست به گزینش بزنیم. آنچه به عنوان معیار انتخاب مطرح شد، چهار شرط اساسی بود:

الف. اندیشمند از شهرت و معروفیت کافی در حوزه دینی و سیاسی برخوردار باشد.

ب. اندیشمند صاحب مکتب، نظریه و مؤسس یکی از حوزه‌های اندیشه سیاسی باشد.

ج. اندیشه سیاسی متفکر در شرایط خاص سیاسی و نقطه عطف تاریخی شکل گرفته باشد.

د. اندیشه سیاسی متفکر برای جامعه فکری و سیاسی امروز قابل استفاده باشد. ابتدا بر آن شدیم تا مجموعه را در دو بخش «فلسفه سیاسی» و «فقه سیاسی» به سامان برسانیم؛ اما در نهایت آنچه حاصل آمد به صورت تخصصی قابل مرزبندی در یکی از این دو حوزه معرفتی نبود؛ البته این مشکل بیشتر در فلسفه سیاسی بود. شاید مهم‌ترین دلیل آن ویژگی شخصیت‌ها و اندیشمندان آن است که بعضاً ذو ابعاد هستند؛ در عین اینکه متفکر در فقه سیاسی بوده‌اند، صاحب نظر در فلسفه سیاسی هم بوده‌اند و چون تدوین دو حوزه معرفتی از یک اندیشمند، توسط دو محقق امکان‌پذیر نبود؛ به ناچار مجموعه اندیشه سیاسی آنها توسط یک محقق تدوین گردید. مع الوصف در چینش مقاله‌ها کوشیدیم، تا هم تقدم و تأخر زمانی را مراعات کنیم و هم به تناسب غلبه رویکرد معرفتی فقه سیاسی یا فلسفه سیاسی، در هر مقاله آنها را در کنار هم قرار دهیم. بر این اساس ما هرگز ادعا نمی‌کنیم که مجموعه دارای نظم و نظام منطقی است، اما مدعی هستیم با تلاش پژوهشگران عزیز، مجموعه قابل استفاده‌ای فراهم آمده است. نوشتار را در سه مجلد تقدیم شما خواننده عزیز می‌کنیم؛ جلد اول بیشتر صبغه فلسفه سیاسی (و به عبارتی صبغه غیر فقه سیاسی) دارد. و جلد دوم و سوم با غلبه «فقه سیاسی» (و به عبارت دیگر غیرفلسفه سیاسی) سامان یافته است. با این ملاحظه عنوان «اندیشه سیاسی» که اصطلاح عامی است را برای نامگذاری مجموعه ترجیح دادیم. لازم به ذکر است که، برنامه این پروژه بر اساس سرفصل‌هایی که در گروه سیاست به تصویب رسیده بود، انجام گرفت و از این جهت تقریباً با سرفصل‌های مشابهی، اندیشه همه متفکران تدوین شده است، و طبعاً ردیابی اصول ثابت اندیشه سیاسی و همچنین سیر تطور و تحول در اندیشه سیاسی متفکران شیعی برای هر خواننده‌ای امکان‌پذیر می‌باشد.

در مجلد اول که صبغه فلسفه سیاسی دارد، اندیشه سیاسی هفت اندیشمند

در هفت گفتار جداگانه به شرح زیر ارائه شده است:

- گفتار اول؛ اندیشه سیاسی معلم ثانی *ابو نصر فارابی* (۲۵۸-۳۳۹ق)
 گفتار دوم؛ اندیشه سیاسی *اخوان الصفا* (قرن سوم هجری قمری)
 گفتار سوم؛ اندیشه سیاسی *خواجه نصیرالدین طوسی* (۵۹۷-۶۷۲ق)
 گفتار چهارم؛ اندیشه سیاسی *شیخ اشراق سهروردی* (۵۴۹-۵۸۷ق)
 گفتار پنجم؛ اندیشه سیاسی *سید جمال‌الدین اسدآبادی* (۱۲۵۴-۱۳۱۴ق)
 گفتار ششم؛ اندیشه سیاسی *شهید مرتضی مطهری* (۱۳۳۸-۱۳۹۹ق)
 گفتار هفتم؛ اندیشه سیاسی *شهید سید محمدحسین حسینی بهشتی* (۱۳۰۷-۱۳۶۰ ش)

در مجلد دوم که بیشتر صبغه فقه سیاسی دارد، اندیشه سیاسی هشت متفکر، در کنار هم ارائه شده است:

- گفتار اول؛ اندیشه سیاسی *شیخ مفید* (۳۳۶-۴۱۳ق)
 گفتار دوم؛ اندیشه سیاسی *شهید ثانی* (۹۱۱-)
 گفتار سوم؛ اندیشه سیاسی *محقق کرکی* (۸۷۰-۹۴۰ق)
 گفتار چهارم؛ اندیشه سیاسی *محقق اردبیلی*
 گفتار پنجم؛ اندیشه سیاسی *محقق نراقی* (۱۱۸۵-)
 گفتار ششم؛ اندیشه سیاسی *صاحب جواهر* (۱۲۰۰-۱۲۶۶ق)
 گفتار هفتم؛ اندیشه سیاسی *شیخ انصاری* (۱۲۱۴-۱۲۸۱ق)
 گفتار هشتم؛ اندیشه سیاسی *محقق تائینی*.
 در مجلد سوم نیز اندیشه سیاسی هفت فقیه دوره معاصر، عرضه می‌شود:
 گفتار اول؛ اندیشه سیاسی *سید عبدالحسین لاری* (۱۲۶۴-۱۳۴۲ق)
 گفتار دوم؛ اندیشه سیاسی *شیخ محمدحسین کاشف الغطاء* (۱۲۵۶-)
 گفتار سوم؛ اندیشه سیاسی *سید حسن مدرس* (۱۲۸۷-۱۳۱۷)
 گفتار چهارم؛ اندیشه سیاسی *سید محمدباقر صدر* (۱۳۵۳-۱۴۰۰ق)
 گفتار پنجم؛ اندیشه سیاسی *امام خمینی* (۱۳۲۰-۱۴۰۹ق)
 گفتار ششم؛ اندیشه سیاسی *آیت‌الله خامنه‌ای*